

جامعه سالم

جلد اول

بر اساس

آیاتی از قرآن کریم

کلام معصومین علیهم السلام

و یافته‌های مدیریت

تألیف: علی ثقفی

سرشناسه: ثقفی، علی، ۱۳۲۵.

عنوان و نام پدیدآور: جامعه سالم بر اساس آیاتی از قرآن کریم، کلام معصومین علیهم السلام و یافته‌های مدیریت / تألیف علی ثقفی.

مشخصات نشر: تهران: برهان: هاد، ۱۳۹۲.

شابک: دوره: 3-50-978-964-6072-50-3؛ ج. ۱: 0-51-978-964-6072-51-0؛

ج. ۲: 7-52-978-964-6072-52-7.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

موضوع: مدیریت (اسلام) -- جنبه‌های قرآنی.

موضوع: مدیریت (اسلام) -- اسناد.

رده‌بندی کنگره: م ۳۴۷ / ۱۳۹۲ / ۱۰۴ BP

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۱۴۸۰۱

یادداشت: نمایه.

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹



نام کتاب: جامعه سالم

تألیف: علی ثقفی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت دوره دو جلدی: ۳۰۰/۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات برهان با همکاری انتشارات هاد

آدرس: تهران. خیابان ۱۵ خرداد، بازار آهنگران، کوچه حاج خلیل

تلفن: ۵۵۶۱۶۹۱۱-۵۵۶۰۲۲۶۰-۵۵۶۱۳۱۰۱

دورنگار: ۵۵۶۱۸۹۵۱

شابک جلد اول: ۰-۵۱-۶۰۷۲-۶۴-۹۷۸

شابک دوره دو جلدی: ۳-۵۰-۶۰۷۲-۶۴-۹۷۸

فهرست جلد اول

مقدمه یک

آموزه‌های عبادی

۱. آغاز هر کار با نام خدا ۱
۲. ستایش؛ وظیفه بندگی ۵
۳. درخواست راهنمایی ۹
۴. پیمان شکنی؛ هرگز ۱۲
۵. شیطان در کمین انسان‌ها ۱۵
۶. عالم؛ محضر خدا ۱۸
۷. هدایت؛ فقط در مسیر خدا ۲۱
۸. فقط رنگ خدا ۲۴
۹. صبر و نماز؛ دو نشانه صابران ۲۸
۱۰. صحنه‌های آزمون الهی ۳۲
۱۱. صلح واقعی؛ تنها در سایه ایمان ۳۵
۱۲. آیه الكرسي؛ گنج الهی ۳۸
۱۳. عدم اجبار در دینداری ۴۲

۱۴. پایبندی به تمام آنچه که خداوند خواسته است ۴۵
۱۵. از خدا چه بخواهیم؟ ۴۸
۱۶. همه چیز در دست خدا است. ۵۱
۱۷. عوامل رستگاری ۵۴
۱۸. نفی هرگونه مالکیت از انسان ۵۷
۱۹. ناملايمات و نعمت‌ها؛ هشدار الهی ۶۰
۲۰. سه تذکر نورانی ۶۳
۲۱. پنج نشانه ایمان ۶۶
۲۲. رستگار و پیروز میدان ۶۹
۲۳. نماز؛ مانع فحشا و منکر ۷۲
۲۴. هفت نماد برتری ۷۸
۲۵. بزرگترین پشتیبان ۸۵
۲۶. مهم‌ترین نشانه‌های حزب شیطان و حزب خدا ۸۸
۲۷. خُلف وعده؛ موجب خشم الهی ۹۲
۲۸. آیا می‌توان با نفس آلوده رستگار شد؟! ۹۶
۲۹. آغاز رسالت با نام خدا ۱۰۳

آموزه‌های فردی

۳۰. تقوا؛ مقدمه بهره‌برداری از قرآن ۱۱۳
۳۱. سخن گفتن بدون علم؛ هرگز ۱۱۹
۳۲. تکبیر؛ آفت انسانیت ۱۲۲

۳۳. دعوت خود به نیکی ۱۲۵
۳۴. پرهیز از سخن دو پهلو ۱۲۷
۳۵. اعتدال؛ نشانه مسلمانی ۱۲۹
۳۶. لعنت بر کتمان کنندگان حق ۱۳۳
۳۷. تقلید کورکوران؛ هرگز ۱۳۷
۳۸. روشن کردن تکلیف بعد از خود ۱۴۲
۳۹. رشوه‌خواری؛ هرگز ۱۴۴
۴۰. سوگند نخورید، کار را انجام دهید ۱۴۸
۴۱. ابتدا علم و آگاهی، سپس باور قلبی ۱۵۱
۴۲. تزکیه، سپس تعلیم ۱۵۳
۴۳. اندیشه، سپس درخواست ۱۵۶
۴۴. حرکت در مسیر عدالت ۱۵۹
۴۵. پیروی از احکام جاهلیت؛ ممنوع ۱۶۲
۴۶. بزرگترین ظلم کدام است؟ ۱۶۵
۴۷. بی‌احترامی به مقدسات دیگران؛ هرگز ۱۷۰
۴۸. آگاهی؛ میوه تقوا ۱۷۲
۴۹. تبری از دشمنان ۱۷۶
۵۰. هشت نشانه برتری دانایان ۱۷۹
۵۱. پیروی ناآگاهانه و تکبر؛ دو آفت تدبیر ۱۸۲
۵۲. متوجه ساختن دل‌ها به سوی خود ۱۸۸
۵۳. بدترین انسان‌ها ۱۹۲

۵۴. ویژگی‌های عباد الرحمن ۱۹۵
۵۵. بازشناسی طینت آدمی ۲۰۵
۵۶. بشنوید و بهترین را اختیار کنید ۲۱۰
۵۷. هفت برنامه عملی متوکلین ۲۱۳
۵۸. قاطعیت در سیدان نبرد ۲۲۱
۵۹. نپذیرفتن خبر بدون تحقیق ۲۲۵
۶۰. پرهیز از چند صفت زشت خانمانسوز ۲۲۸
۶۱. تقوا؛ ملاک برتری ۲۴۰
۶۲. نشانه‌های ضعف آدمی در برابر پروردگار ۲۴۵
۶۳. آیه‌ای تکان دهنده ۲۴۹
۶۴. منافقان دروغگو هستند ۲۵۲
۶۵. شناختن انسان‌های شایسته ۲۵۶
۶۶. افرادی که نباید از آنها پیروی کرد ۲۶۱
۶۷. حتی یک نگاه بی‌اعتنا؛ ممنوع ۲۶۸
۶۸. غرور در برابر پروردگارا! ۲۷۲
۶۹. تفاخر؛ نشانه جاهلیت ۲۷۸
۷۰. نقاط ضعف خود را بهتر بشناسیم ۲۸۳

آموزه‌های اجتماعی

۷۱. توجه به انسان‌های دو چهره ۲۸۹
۷۲. پوشاندن حق؛ ممنوع ۲۹۱

۷۳. نشانه‌های عمل نیکو در اجتماع ۲۹۶
۷۴. قصاص؛ اساس زندگی اجتماعی ۲۹۹
۷۵. دستورالعمل تنظیم اسناد مالی ۳۰۱
۷۶. دوست و سرپرست مؤمن ۳۰۶
۷۷. امر به معروف و نهی از منکر ۳۰۹
۷۸. بیگانگان را محرم اسرار خود قرار ندهید ۳۱۳
۷۹. شناخت فرصت طلبان ۳۱۵
۸۰. کمک به مستضعفین ۳۱۷
۸۱. تعاون و همکاری ۳۲۰
۸۲. عدم پشتیبانی از یهود و نصارا ۳۲۵
۸۳. بی‌اعتنایی به فقرا؛ هرگز ۳۲۹
۸۴. دوازده فرمان الهی ۳۳۲
۸۵. خیانت در امانات؛ هرگز ۳۳۷
۸۶. پنج توصیه در رویارویی با دیگران ۳۴۲
۸۷. هجرت و جهاد؛ دو اصل پیروزی ۳۴۵
۸۸. بهتر شناختن منافقان ۳۵۱
۸۹. بهتر شناختن مؤمنان ۳۵۴
۹۰. توجه به نیازهای اولیه ۳۵۸
۹۱. برنامه جامع زندگانی ۳۶۲
۹۲. اعتماد عمومی؛ سرمایه بزرگ اجتماعی ۳۶۶
۹۳. پنج درس اجتماعی ۳۷۲

۹۴. شش دستور مهم حیاتبخش ۳۷۶
۹۵. شایستگان همنشینی ۳۸۰
۹۶. کدام اکثریت تمایل به حق ندارند؟ چرا؟ ۳۸۴
۹۷. اشاعه فحشا؛ کاری ناپسند ۳۸۸
۹۸. پرهیز از درست بد ۳۹۳
۹۹. مناظره حق، مناظره باطل ۳۹۷
۱۰۰. رهروان از رهبران پیشی نگیرند ۴۰۳
۱۰۱. نعمت‌های الهی، نماد خدمتگزاری ۴۰۷
۱۰۲. سبقت برای طلب مغفرت ۴۱۲
۱۰۳. نجوا و تحیت؛ خوب یا بد؟ ۴۱۷
۱۰۴. نمونه‌ای از آداب حضور در مجلس بزرگان ۴۲۱
۱۰۵. انفال چیست و برای چه کسانی است؟ ۴۲۵
۱۰۶. نماز جمعه؛ بزرگترین اجتماع عبادی - سیاسی هفته ۴۳۰
۱۰۷. وای برکم‌فروشان! ۴۳۵
۱۰۸. آموزنده‌ترین درس قرآنی ۴۳۸
۱۰۹. پنج نشانه تکذیب دین ۴۴۲
۱۱۰. شُروری که باید از آنها به خدا پناه برد ۴۴۹
۱۱۱. پناه بردن به خدای مردم از شر مردم ۴۵۳

فهرست جلد دوم

آموزه‌های پیشوایی

۱۱۲. پاداش به اعمال شایسته..... ۴۵۹
۱۱۳. شایستگی؛ ملاک پیشوایی..... ۴۶۲
۱۱۴. مبارزه با رفع فتنه..... ۴۶۸
۱۱۵. رعایت اعتدال و تدبیر در دستورات..... ۴۷۲
۱۱۶. گفتار پسندیده؛ ویژگی هر مدیر..... ۴۷۸
۱۱۷. نگرستن به اصول..... ۴۸۲
۱۱۸. خود برتر بینی؛ آفت بزرگ مدیریت..... ۴۸۶
۱۱۹. وحدت؛ رمز موفقیت..... ۴۸۹
۱۲۰. اخلاق نیکو، گذشت و مشورت..... ۴۹۲
۱۲۱. دو دستور مهم الهی..... ۴۹۵
۱۲۲. فرمان رهبری؛ فصل الخطاب..... ۴۹۹
۱۲۳. آماده باش دائمی..... ۵۰۱
۱۲۴. در قضاوت عجله نکنید!..... ۵۰۶
۱۲۵. اجرای عدالت در هر حال..... ۵۰۹
۱۲۶. زشتی سکوت علما در برابر گناهان..... ۵۱۲
۱۲۷. نمونه کامل برنامه‌ریزی..... ۵۱۵
۱۲۸. عذرخواهی پس از خطا..... ۵۱۹
۱۲۹. تفرعن نفس..... ۵۲۱

۱۳۰. تأنی در داوری و تصمیم‌گیری عاقلانه ۵۲۴
۱۳۱. قاطع در برابر دشمن ۵۳۰
۱۳۲. آمادگی دفاع با همه توان ۵۳۳
۱۳۳. محبت و مدارا؛ لازمه ریاست ۵۳۶
۱۳۴. اولیای خدا ترس و غم ندارند! ۵۴۱
۱۳۵. سرنوشت در گرو تغییر خود ۵۴۵
۱۳۶. اندیشیدن به عاقبت کار ۵۵۲
۱۳۷. چگونگی عمل در برابر مخالفان ۵۵۵
۱۳۸. صفات برجسته مؤمن؛ پیش‌نیاز مدیریت اسلامی ۵۶۰
۱۳۹. یاد روز تنهایی ۵۶۶
۱۴۰. دانایی؛ مقدمه لازم برای کشورداری ۵۷۲
۱۴۱. بشارتی به زمامداران عادل ۵۷۶
۱۴۲. مسئولیت؛ صحنه آزمایش الهی ۵۷۹
۱۴۳. گفتگو به جای مجادله ۵۸۲
۱۴۴. چهار ستون پیشوایی ۵۸۷
۱۴۵. گفتگو با مخالفان ۵۹۰
۱۴۶. هشدار به فرماندهان و فرمانبران ۵۹۵
۱۴۷. چهار پایه دعوت ۵۹۸
۱۴۸. تکیه بر مشترکات در دعوت ۶۰۳
۱۴۹. مشورت؛ اکسیر مدیریت ۶۰۶
۱۵۰. معیارهای برتری نزد طاغوتیان ۶۱۱

۱۵۱. سه ویژگی رهبر در جامعه‌ای پیشرو ۶۱۵
۱۵۲. توجه مدیران به توجیهات عملکرد خود و مردم ۶۱۸
۱۵۳. سازش میان دو گروه متخاصم ۶۲۳
۱۵۴. عدالت؛ مهمترین انگیزه رسالت ۶۲۷
۱۵۵. هدف از بعثت پیامبران ۶۳۰
۱۵۶. نمونه‌ای از رفتار پیامبر ﷺ ۶۳۴
۱۵۷. نسخه‌ای دیگر برای آمادگی رهبر ۶۴۱
۱۵۸. قابل توجه صاحب منصب اجتماعی ۶۴۶

آموزه‌های رهبران

۱۵۹. خلوص نیت حضرت ابراهیم علیه السلام؛ درس بزرگ رهبری ۶۵۳
۱۶۰. طالوت؛ زمامداری موفق ۶۵۶
۱۶۱. اموال در دست دانایان ۶۶۳
۱۶۲. استدلال حضرت ابراهیم علیه السلام به توحید ۶۶۶
۱۶۳. درس‌هایی از طوفان حضرت نوح علیه السلام ۶۷۰
۱۶۴. درس‌هایی از حضرت هود علیه السلام ۶۷۷
۱۶۵. درس‌هایی از رسالت حضرت شعیب علیه السلام ۶۸۱
۱۶۶. حفظ اسرار؛ لازمه امنیت ۶۸۷
۱۶۷. حسد؛ بیماری ویرانگر ۶۸۹
۱۶۸. توطئه؛ در قالب دوستی ۶۹۲
۱۶۹. گوشزد نکردن امر خلاف به دشمن ۶۹۵

۱۷۰. جهاد با نفس؛ مقدمه لازم برای ریاست ۶۹۷
۱۷۱. حسن استفاده از فرصت‌ها ۷۰۱
۱۷۲. امانتداری و دانایی ۷۰۸
۱۷۳. احتیاط؛ شرط عقل ۷۱۳
۱۷۴. گذشت؛ برگزین شکرانه پیروزی ۷۱۶
۱۷۵. درس‌های دیگری از حضرت ابراهیم علیه السلام ۷۲۰
۱۷۶. چهار فرمان پادشاهی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۷۲۳
۱۷۷. حضرت ابراهیم علیه السلام؛ الگوی انسانی کامل ۷۲۶
۱۷۸. درس‌هایی از ملاقات حضرت موسی با خضر علیه السلام ۷۳۱
۱۷۹. نکته‌های آموزشی از داستان ذی القرنین ۷۴۲
۱۸۰. لوازم رهبری در کلام حضرت موسی علیه السلام ۷۵۲
۱۸۱. حضرت ابراهیم علیه السلام؛ الگوی استدلال و عمل ۷۵۶
۱۸۲. درسی از زندگی حضرت یونس علیه السلام ۷۶۰
۱۸۳. خواسته‌های حضرت ابراهیم علیه السلام ۷۶۳
۱۸۴. مقتدرترین سلطان در برابر مورچه ۷۶۷
۱۸۵. درسی از حضرت سلیمان علیه السلام ۷۷۰
۱۸۶. درسی از ملکه سبا ۷۷۴
۱۸۷. در مکتب لقمان حکیم علیه السلام ۷۷۷
۱۸۸. سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله؛ الگوی زندگی ۷۸۵
۱۸۹. مؤمن آل یاسین؛ اسوه بندگی ۷۹۰
۱۹۰. دو الگوی تمام برای دین‌مداری ۷۹۳

۱۹۱. مکافاتِ یک لحظه غفلت ۷۹۷
۱۹۲. درسی از زندگی حضرت داود علیه السلام ۸۰۳
۱۹۳. آنجا که عقاب پر می‌ریزد! ۸۰۶
۱۹۴. چند نکته تربیتی از حکومت حضرت سلیمان علیه السلام ۸۱۰
۱۹۵. درس‌هایی از زندگی حضرت ایوب علیه السلام ۸۱۴
۱۹۶. در مکتب مؤمن آل فرعون ۸۲۰
۱۹۷. حضرت ابراهیم علیه السلام؛ الگوی حسنه ۸۲۸
- آموزه‌های عبرت‌آموز
۱۹۸. پیروزی بدر؛ یک واقعه عبرت‌آموز ۸۳۵
۱۹۹. جنگ احد؛ آموزنده برای همیشه ۸۴۳
۲۰۰. تاریخ؛ عبرت آیندگان ۸۵۱
۲۰۱. قیاس و تکبر؛ دو گناه بزرگ ۸۵۶
۲۰۲. خلافت‌کاری؛ زیر پوشش کلاه شرعی ۸۶۲
۲۰۳. عوامل حیات و ممات ملت‌ها ۸۶۵
۲۰۴. تبوک؛ صحنه بزرگ آزمایش ۸۷۰
۲۰۵. ترسیم دقیقی از منظره حق و باطل ۸۷۵
۲۰۶. عمل کفار؛ خاکستری بر سینه تندباد ۸۸۰
۲۰۷. شاخصه‌های پاکی و ناپاکی گفتار در قالب تمثیل ۸۸۳
۲۰۸. درسی از داستان اصحاب کهف ۸۸۷
۲۰۹. زندگی دو حشره؛ راهنمای آدمی ۸۹۸

۲۱۰. سرچشمه فساد کجاست؟ ۹۰۱
۲۱۱. تقابل دو صحنه عبرت آمیز ۹۰۵
۲۱۲. نتیجه سرپیچی از مأموریت الهی ۹۱۰
۲۱۳. صلح حدیبیه؛ نمونه هنر مدیریت ۹۱۴
۲۱۴. توجه به ادعاهای منافقانه ۹۲۰
۲۱۵. سنجش خود با ترازوی این آیه ۹۲۵
۲۱۶. سرگذشت پیشینیان، عبرت آیندگان ۹۲۹
۲۱۷. صحنه‌های زیبا و رشت اعمال ۹۳۷
۲۱۸. احتضار؛ لحظه سخت استکبار ۹۴۴
۲۱۹. دنیا؛ متاع غرور ۹۴۸
۲۲۰. سرانجام حق باوران و باطل گرایان ۹۵۱
- فهرست آیات ۹۵۵
- فهرست کتب ۹۶۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الف - قرآن؛ راهنمای بشر

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾^۱

«این قرآن به راهی هدایت می‌کند که مستقیم‌ترین راه‌هاست.»

قرآن کتاب هدایت انسان‌ها و راهنمای بشریت در همه ارکان زندگی است. آنها که برای خدمت قیام می‌کنند و به حسن انجام امور امیدوارند و می‌خواهند خود و جامعه‌شان مسیر رشد و سعادت را طی کنند و به تعالی جسم و روح می‌اندیشند، ناگزیر باید سر به فرمان قرآن نهند، زیرا قرآن به فرموده پروردگار صحیح‌ترین، استوارترین و مستقیم‌ترین راهنما است.

صحیح‌تر و استوارتر از نظر اعتقادی که عرضه‌کننده عقایدی روشن، قابل درک، خالی از هرگونه خرافات و هماهنگ با فطرت و هدایت آدمی است. صحیح‌تر و پایدارتر از نظر عبادات و برنامه‌های اخلاقی، خالی از هرگونه افراط و تفریط، دور از حرص، آز، طمع، بخل، دروغ و زیاده‌خواهی است. درست‌ترین و محکم‌ترین مقررات را در روابط اجتماعی، اقتصادی و نظامات سیاسی ارائه کرده و ضامن عدل و انصاف در جوامع بشری است.

در روابط اجتماعی منطقی برابر با فطرت انسانی دارد، در اقتصاد میانه‌روی را اصل دانسته، تجاوز از حد اعتدال را گناه بزرگی شناخته، نظامات حکومتی را بر پایه دادگستری وضع نموده، عدل را اساس بقای جوامع شمرده، ظلم را ویرانگر اجتماع خوانده و صاحبان قدرت را از هرگونه استکبار و تفرعن منع کرده است.

قرآن مکرراً آدمی را از پرداختن به خویش بر حذر داشته و خداخواهی را نصب العین او قرار داده است، به گونه‌ای که انسان عاقل برای رشد و تعالی راهی جز تبعیت از کتاب آسمانی قرآن ندارد و اگر بخواهیم خود به سلامت زندگی کنیم و جامعه سالمی داشته باشیم، تنها راه نجاتمان، تمسک به قرآن در ذیل عنایت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است، زیرا آدمی بدون راهنمایی آنها نمی‌تواند راه بندگی و مسیر هدایت الهی را بیابد. انسان بی امام، ظالم به خود است و به گفته قرآن: ﴿وَتُنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾؛ «و قرآن را نازل می‌کنیم که شفا و رحمت برای مؤمنان است و ستمگران را جز خسران و زیان نمی‌افزاید.»

پس انسان بی امام معصوم، جز زیان از قرآن به دست نمی‌آورد، زیرا او فقط مؤمنین را شفاعت و راهنمایی و مؤمنین نیز کسانی هستند که سر به فرمان قرآن نهاده و برای فهم آن دست به دامان ائمه اطهار (علیهم‌السلام) زده‌اند.

بیاییم با راهنمایی اولیای الهی، قرآن را دستور العمل زندگی خود قرار دهیم و باور کنیم که قرآن نسخه‌ای حیات بخش برای آدمی در مبارزه با جهل و کبر و غرور است. قرآن شفاعت ضعیف‌ها، زبونی‌ها، ترس‌ها، اختلاف‌ها و پراکندگی‌هاست. قرآن دواي درد دنیاپرستی، تمایلات نفسانی، خواسته‌های شهوانی و شهرت‌هاست.

قرآن صلح‌نامه آتش‌افروزی‌ها، جنگ‌طلبی‌ها و مسابقات کمرشکن تسلیحاتی غول‌های جنگ و نفاق، قدرتمندان و مستکبرین جهانی است و سرانجام، قرآن نسخه تعالی بخش و رهایی دهنده انسان از قید و بند شیطان و رسیدن به خداوند منان است. به همین جهت محور سخنانم را بر آیاتی از کلام الله مجید قرار دادم.

ب- سابقه علم مدیریت

مدیریت به معنی عام و گسترده، شاید ابتدایی‌ترین پدیده اجتماعی باشد و قدمت آن به اولین اجتماع انسانی بازمی‌گردد و رفته رفته با گسترش ارتباطات، مناسبات افراد و اجتماعات، رفت و آمدها و باز شدن باب معاملات و روابط عمومی در میان جوامع رشد نموده و به سفارش کارفرمایان، احکام دانشمندان و صاحب نظران دستور العمل‌هایی برای اداره جامعه و روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تنظیم و تدوین نموده‌اند که توسط اربابان، کارفرمایان کارگاه‌های تولیدی، فرماندهان و زمامداران به کار گرفته شده است که از آن جمله می‌توان به رسائل کنفسوس، جمهوریست افلاطون، قابوس‌نامه کیکاووس بن اسکندر بن قابوس، سیاست‌نامه خواجه نظام الملک و کتاب نصیحة الملوک ابوحامد امام محمد غزالی اشاره نمود.

اما آنچه به نام مدیریت علمی و مکاتب مدیریتی مطرح است، عمدتاً بعد از انقلاب صنعتی به خصوص در کشورهای غربی آغاز گردیده و سابقه‌ای کمتر از دویست سال دارد که می‌توان روند پیشرفت آن را در سه دوره کلی برشمرد:

اول: مدیریت علمی؛

نهضت مدیریت علمی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با مطالعات مهندس جوانی به نام فردریک وینسلو تیلور^۱ در آمریکا آغاز شد. او چهار اصل را برای مدیریت معرفی می‌کند:

- ۱- استفاده از روش علمی برای انجام هر جزء از کار به جای روش‌های غیرعلمی.
- ۲- انتخاب کارکنان با استفاده از روش‌های علمی برای هر کار و لزوم آموزش و تعلیم کارکنان.

۳- کنترل کارکنان و برقراری سیستم تشویق و تنبیه آنها.

۴- همکاری صمیمانه و تشریک مساعی بین کارکنان و مدیران با تقسیم کار.^۱

چند سال بعد هنری فایول^۲ فرانسوی با تعیین چهارده اصل مدیریت، مکتب علمی تیلور را غنی‌تر ساخت. این چهارده اصل عبارتند از:

- ۱- تقسیم کار، ۲- اختیار و مسئولیت، ۳- انضباط، ۴- وحدت فرماندهی، ۵- وحدت مدیریت، ۶- تبعیت منافع فرد از منافع عمومی، ۷- جبران خدمات کارکنان، ۸- تمرکز، ۹- سلسله مراتب، ۱۰- نظم و ترتیب، ۱۱- عدالت، ۱۲- ثبات شغلی، ۱۳- ابداع و ابتکار، ۱۴- احساس یگانگی.^۳

اگرچه برپایی چنین ضوابطی که برای اولین بار در قالب علمی ارائه می‌شد، برای اداره سازمان‌ها و شرکت‌ها به خصوص بخش‌های تولیدی، دارویی شفافبخش تلقی می‌شد، اما هرگز خالی از نقص نبود. عیب عمده این نوع مدیریت نگرش به انسان به عنوان یک ابزار کار بود که باید هر چه بیشتر تولید کند و در برابر آن دستمزد و در صورت لزوم پاداش دریافت نماید. در این نوع مدیریت، توجهی به روابط انسانی و احساسات و عواطف کارمند نشده بود و به قول علامه محمدتقی جعفری در مقاله "یک بحث بنیادین در ریشه‌های انگیزش"، انسان مورد توجه تیلور "کوریل باهوشی" است که باید بر او اعمال مدیریت نمود.^۴

۱. اصول و مبانی مدیریت، ص ۲۶.

2. Fayol, Henry.

۳. اصول مدیریت، صص ۴-۱۳.

۴. نگرشی بر مدیریت در اسلام، ص ۱۷۰.

دوم: مکتب روابط انسانی؛

این مکتب توسط یک دانشمند استرالیایی به نام التون مایو^۱ طرح ریزی شد و نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی و روابط انسانی بیش از متغیرهای فیزیکی در کارایی افراد مؤثر است.^۲ به این ترتیب بخشی از کمبود مکتب علمی با چرخش نگاه صاحب نظران از نگرش صرفاً فیزیکی به انسان و کارمند، به احساسات، عواطف و روابط انسان دوستانه و با رسمیت یافتن سازمان‌های غیر رسمی در سازمان‌ها جبران شد.

سوم: مکتب سیستم‌های اجتماعی؛

پس از پایان جنگ جهانی دوم تئوری نوینی در علم مدیریت توسط برتالانفی^۳، زیست‌شناس آلمانی، مطرح گردید. در این مکتب سازمان به عنوان یک کل در نظر گرفته شد و بیش از آن که اجزای آن مطالعه شود، موقعیت روابط متقابل (درون سازمان و بیرون سازمان) به صورت یک مجموعه در تأمین هدف‌های سازمان مورد مطالعه قرار گرفت.

در ادامه لازم است نامی از ماکس وبر آلمانی^۴ برده شود که مطالب عمده و فراوانی را در باب بوروکراسی و سازمان‌های اداری مطرح کرده و آثار مفیدی را از خود به جای گذاشته است.

طی این سال‌ها تا امروز در مقوله مدیریت، نظرات و آرای مختلفی توسط صاحب نظران عنوان شده است که عمدتاً با توجه به نیاز روز تکامل یافته و روز به روز بنا به پیچیدگی کار، روابط بازار، نیازها، رقابت‌ها، تغییرات سریع در نوآوری، فناوری و امروزه نانو تکنولوژی، به اهمیت علم مدیریت افزوده شده و توجه دست اندرکاران را به خود جلب نموده است تا آنجا که اگر دیروز بزرگترین سرمایه یک جامعه ابزار و منابع مادی

1. Elton Mayo.

۲. اصول و مبانی مدیریت، ص ۳۱.

3. Bertalanffy.

4. Max Weber.

بود، امروز سرمایه ملی کشورها دانایی و درک مفاهیم نو در جهان است و هر جامعه به میزان دانایی اش توسعه می‌یابد. به قول وارن بنیس^۱ «ما در دوره گذار هستیم؛ گذار از یک نظام کهنه به یک نظام نو. همه فشارها و ناراحتی‌ها در اثر مقایسه با مفروضات کهنه تشدید می‌شوند، اما انسان‌ها به شدت انطباق‌پذیر و خلاقند. در این فرآیند آنچه که به یاری مدیران می‌آید، یادگیری سریع است. در عصر انفجار اطلاعات و عصری که آموخته‌ها به سرعت کهنه می‌شوند، آنچه که مهم است میزان دانسته‌های ما نیست بلکه سرعت یادگیری ما است.»

به طور کلی امروزه کشوری در جهان پر چالش آینده ارزش افزوده بیشتری به دست خواهد آورد که بیشترین سرمایه‌گذاری را برای توسعه منابع انسانی قائل باشد و آینده از آن کشورهایی است که دانش در آنها نهادینه شده باشد و آنها که این واقعیت را قبول ندارند، بازنده میدان مسابقه خواهند بود.

ج- تعریف علم مدیریت

از مدیریت به عنوان یک علم بنا بر دیدگاه‌های مکاتب یاد شده، تعاریف زیادی به میان آمده است از جمله:

- ۱- مدیریت عبارت است از کاربرد تکنیک‌های مختلف اداره امور یک گروه انسانی و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت‌های یک سازمان برای نیل به هدف معین و مشخص.^۲
 - ۲- مدیریت علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته جمعی برای نیل به هدف‌های مطلوب با حداکثر کارایی است.^۳
 - ۳- مدیریت هماهنگ کردن منابع انسانی و مادی برای نیل به هدف است.^۴
- آنچه در این تعاریف نادیده گرفته شده است، نظام ارزشی و هدف نهایی انسانیت در

1. Warren Bennis.

۲. تئوری‌های مدیریت، ص ۲۳.

۳. هنری فایول.

۴. سازمان و مدیریت، ص ۶۱.

علم مدیریت می‌باشد. یعنی چنانچه بخواهیم با دید یک مسلمان و کسی که افکار و عقایدش مبتنی بر انگاره‌های دینی و الهی است به مقوله مدیریت بپردازیم، باید اهداف عالیه این تفکر و ایدئولوژی حاکم بر آن، در تعریف ما از علم مدیریت بروز داشته باشد. به قول دکتر سید علی اکبر افجه‌ای: «آنچه امروز تحت عنوان "مدیریت علمی" در دانشگاه‌های دنیا شایع است، چیزی جز "مدیریت تولید" یا "علم تولید" نیست که "مکتب" را نیز به تنها با آن مخالفتی نمی‌باشد، بلکه عین صواب کسب، مدارج و احراز شرایط لازم در آن از سوی مدیران اسلامی برای بهره‌وری کافی در جهت تولید است، اما آنچه باید در این زمینه مورد توجه مدیران قرار گیرد، این است که علم "تولید"، علم "دین" نیست و یا با علم تولید نمی‌توان انسان توحیدی ساخت.

اصولاً اطلاق مدیریت علمی به مجموعه عملکرد سازمانی که هم شامل انسان و هم ابزار برای پیشبرد کار است، امری اشتباه است و باید این دو از یکدیگر تفکیک شوند. در حقیقت مدیریت مکتبی (اسلامی) مدیریتی است بر نوع انسان در درون سازمان در جهت تعالی و تکامل معنوی او و حال آن که علم تولید یا مدیریت تولید عبارت است از نحوه اداره ابزار و وسایل مادی مانند سرمایه، ماشین آلات و... که باید در خدمت استعدادهای سازمان باشد.^۱ و لذا در تعریف علم مدیریت در کتاب مدیریت اسلامی نوشته محمدحسن نبوی می‌خوانیم: «مدیریت، هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول به اهداف سازمانی است به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد.»^۲

آیت الله مکارم شیرازی، اهداف اصلی مدیریت اسلامی را با بهره‌گیری از چند آیه قرآن چنین برمی‌شمارد:

۱- آگاهی بخشیدن به انسان‌ها.

۲- تربیت معنوی و احیای ارزش‌های واقعی.

۱. مدیریت اسلامی، صص ۶-۲۵.

۲. مدیریت اسلامی، ص ۳۶.

۳- اقامه قسط و عدل به صورت خود جوش و برخاسته از متن جامعه

۴- آزادی انسان‌ها از زنجیرهای اسارت.^۱

دکتر مشبکی برای مدیریت اسلامی پنج ویژگی عمده را ذکر می‌کند:

۱- مبتنی بر فرامین الهی است.

۲- استثمار و استعمار انسان توسط انسان را نفی می‌کند.

۳- اصول ارزشی و ضد ارزشی آن لا یتغیر است.

۴- متکی بر دو پایه تعالی و تولید است.

۵- تولید تا زمانی ارزشمند است که در خدمت تعالی باشد.^۲

به نظر می‌رسد وجه تمایز مدیریت اسلامی با سایر اشکال مدیریت اعم از سرمایه داری، کمونیستی، دموکراتیک و یا الحادی این است:

اولاً، مدیریت اسلامی مبتنی و متکی بر اصول ثابت "وحی" و سیره پیامبر اکرم ﷺ است و سایر مدیریت‌ها مبتنی بر ایدئولوژی و مکاتب مورد نظرشان می‌باشد. ثانیاً، در حکومت اسلام، تسلط و حکومت مردم بر مردم، فرد بر مردم و اصولاً استثمار و استعمار انسان توسط انسان کاملاً منتفی است؛ فرمانروای اصلی خدا است و بقیه کارگزار او هستند.

ثالثاً، در مدیریت اسلامی، اصل ثابت بودن ارزش‌های بیان شده برای هر زمان و مکانی تغییر ناپذیر است، در حالی که در مکاتب دیگر که ساخت و پرداخته ذهن بشر است، ارزش‌ها همواره دستخوش تغییر و دخل و تصرف هستند.

رابعاً، مدیریت اسلامی بر دو پایه تعالی و تولید - تعالی انسان و تولید کالا - استوار است و "تولید" تا زمانی صاحب ارزش است که در خدمت "تعالی" باشد، درحالی که مکاتب دیگر مدیریت تنها مبتنی بر تولید و افزایش آن است.^۳

۱. مدیریت و فرماندهی در اسلام، ص ۲۵.

۲. نگرشی بر مدیریت در اسلام، ص ۱۴۸.

۳. مدیریت اسلامی، دکتر سید علی اکبر افجه‌ای، ص ۸.

با توجه به توضیحات فوق به نظر می‌رسد بتوانیم مدیریت اسلامی را چنین تعریف کنیم: "مدیریت، هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی برای رشد و تعالی انسان‌ها است."

آنچه در مدیریت اسلامی بیش از هر چیز اهمیت دارد، انسان‌سازی و رشد و تعالی او تا رسیدن به بارگاه الهی است درحالی که هدف از مدیریت در جهان غیر خدایی، آبادانی کشور و رفاه هر چه بیشتر انسان‌ها در دنیا است.

مدیریت زاده و پرورش یافته بازار غرب، کاری به مراتب ارزشی و آخرت ندارد و اگر مقولات ارزشی و الهی باید به بحث و چالش کشیده شود و مورد استفاده قرار گیرد، مقام آن در جای دیگری مثل کلیسا، کنیسه، دیر و کنشت است. معنی این حرف چنین نیست که مدیریت غربی سروکاری با موضوعات اخلاقی ندارد، زیرا اصولاً پایه‌های اولیه تعاملات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی بر محاسن اخلاقی و مناسبات منصفانه و بشردوستانه است، بلکه هدف نهایی، آشنان که در تعالیم انبیاء و رسولان الهی دیده می‌شود، در این تعاریف مغفول مانده و اصولاً اعتباری برای آن شناخته شده نیست. در نظام اسلامی آنچه از اهمیت واقعی برخوردار است، دست یابی بشر به آرمان‌ها و اهداف والای بشری است که در قالب آموزه‌های پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام آمده است و اگر به دنیا توجه می‌شود، صرفاً برای آن است که راه گذر آباد باشد که بدون آبادی اینجا به آبادانی آخرت نخواهیم رسید. برای عبور از رودخانه یا باید شنا آموخت و یا پلی زد و دنیا پل عبور به آخرت است و ما برای مقصد و مقصود دیگری بر دنیا مدیریت می‌کنیم. پس اگر می‌خواهیم در دنیا سالم زندگی کنیم و از همه امکانات آن در جهت سلامت و عزت آدمیان بهره بگیریم، همه و همه، مقدمه برای سعادت و رستگاری آخرت است که زندگی جاوید بشری در آن جا رقم می‌خورد و اینها تفاوت دو دیدگاه مدیریت مادی و مدیریت الهی است.

با نگاهی فهرست‌وار به نامه حضرت علی علیه‌السلام به مالک اشتر به هنگام واگذاری زمام

حکومت مصر به او، به این مهم بیشتر پی خواهیم برد. حضرت با توجه به اهداف عالی حکومت اسلامی، علاوه بر چهارده اصل فایول که تا امروز جامع‌ترین اصول مدیریتی در جوامع غربی و دانشگاهی هستند، چند اصل الهی و معنوی را اضافه فرموده است. اصول ذکر شده در عهدنامه مالک اشتر عبارتند از:

- ۱- اعتقاد به مبدأ و معاد.
- ۲- وحدت جهت در هدایت و رهبری.
- ۳- وحدت فرماندهی و دستور.
- ۴- سلسله مراتب اداری.
- ۵- اولویت رفاه عموم و احترام به آن.
- ۶- توانایی‌ها و خصایص لازم برای مدیر.
- ۷- توانایی مدیر بر خود (کنترل هوای نفس).
- ۸- خوش بینی نسبت به افراد.
- ۹- انصاف.
- ۱۰- انضباط.
- ۱۱- تبعیت منافع فرد از منافع جمع.
- ۱۲- ضابطه پذیری و دوری از رابطه پنداری.
- ۱۳- انتظار کردار شایسته.
- ۱۴- رازداری.
- ۱۵- توجه به زیردستان.
- ۱۶- رعایت حقوق و پاداش عادلانه.
- ۱۷- جدایی شخص از موضوع (توجه به گفته، نه گوینده).
- ۱۸- تمرکز و دقت در کارها.
- ۱۹- کنترل و نظارت و ارزشیابی.
- ۲۰- تناسب شغل با فرد.

آیا واقعاً این دستورالعمل جامع‌تر و کامل‌تر از همه آنچه که تاکنون گفته‌اند و در کتاب‌ها خوانده‌ایم، نیست؟!

نکته بااهمیت دیگر این که اگر مبانی اخلاقی و آموزه‌های دینی که همه ریشه در فطرت آدمی دارد، در مباحث علمی مدیریت مغفول بماند و تعلیم علوم بدون تزکیه قلوب انجام پذیرد، امیدی به صلاح و فلاح بشریت و داشتن یک جامعه سالم نیست و شاید به همین جهت است که مباحث عالی و پیشرفته‌ای را در این علم دیده و آموخته‌ایم، اما جامعه بشری چندان در آرامش و رستگاری نیست، زیرا ستون اصلی خیمه مدیریت پوسیده است و تحمل بار مسئولیت رشد و سعادت آدمیان را ندارد، از همین روی پرداختن به مباحث اخلاقی مدیریت اهمیت پیدا می‌کند.

د- اهمیت مدیریت

در اهمیت مدیریت همین بس که مدار عالم بر مدیریت ناظم مطلق، پروردگار هستی، در گردش است و هیچ توسعه و پیشرفتی تحقق نمی‌یابد مگر بر محور مدیریت صحیح، و بشریت بدون آن جز هرج و مرج نصیبی نخواهد داشت. به چند جمله گویا در این باب اشاره می‌شود:

امیر کلام، مولایمان علی علیه السلام، می‌فرماید: مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النِّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النِّظَامُ تَفَرَّقَ وَذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِخِذَائِهِ أَبَدًا: «جایگاه زمامدار در این کار، جایگاه رشته‌ای است که مهره‌ها را به هم ارتباط می‌دهد و برخی را ضمیمه برخی دیگر می‌کند. اگر رشته ببرد، مهره‌ها پراکنده شده و جمعیت از میان می‌رود و هرگز دوباره منظم نمی‌گردند.»

از مرحوم آیت الله حاج سید میرزا محمدحسن شیرازی رحمته الله نقل می‌کنند که گفته است: «ریاست نیازمند به یکصد جزء است که یک جزء آن علم و جزء دیگرش عدالت است و

نود و هشت جزء دیگر آن مدیریت.^۱

شهید بزرگوار مطهری می‌گوید: «مدیریت صحیح از ضعیف‌ترین ملت‌های دنیا، قوی‌ترین ملت‌ها را می‌سازد، آنچنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله کرد و این معجزه رهبری بود.»^۲

باز به گفتار امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باب بیردازیم که هیچ کلامی به قوت و صلابت آن نیست. حضرت درباره علل سقوط اجتماعی - سیاسی دولت‌ها می‌فرماید:

يُسْتَدَلُّ عَلَى إِدْبَارِ الدَّوْلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعُ الْأُصُولِ وَ التَّمَسُّكُ بِالْفُرُورِ وَ تَقْدِيمُ الْأَرَاذِلِ وَ تَأْخِيرُ الْأَفَاضِلِ.^۳ «حکومت با چهار عامل مخرب سقوط می‌کند: ۱- ضایع نمودن اصول اساسی، ۲- مغرور شدن، ۳- مقدم داشتن فرومایگان، ۴- مؤخر قرار دادن فرزنانگان.»

همچنین درباره علل سقوط اجتماعی - اقتصادی چنین می‌فرماید: يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِدْبَارِ بِأَرْبَعٍ: سُوءِ التَّدْبِيرِ وَ قُبْحِ التَّهْدِيرِ وَ قِلَّةِ الْإِعْتِبَارِ وَ كَثْرَةِ الْإِعْتِدَارِ.^۴ «چهار سوء رفتار سبب زوال حکومت است: ۱- سوء تدبیر و ضعیف مدیریت، ۲- تذیر و هزینه‌های زیانبار، ۳- کم استفاده کردن از تجربه‌ها، ۴- زیادی عذر خواهی نمودن به سبب ندانم کاری‌ها.»

با توجه به اهمیت مدیریت در جایگاه رشد و زوال حکومت‌ها از یک سو و فقدان مبانی ارزشی در نظام مدیریت کلاسیک و دانشگاهی، این بنده کوچک بر آن شدم تا با نظری بر قرآن عزیز و احادیث معصومین علیهم السلام و سیره آن بزرگواران، نکاتی را احصا کنم و به همراه یافته‌های مدیریت علمی و کلاسیک و نکته‌هایی که در سالیان خدمت تجربه نمودم، در مجموعه حاضر تقدیم علاقمندان کنم. ناگفته نماند که این اقدام خیرخواهانه وقتی کلید خورد که در جمع هیأت مدیره انجمن فارغ التحصیلان مدیریت دولتی که متشکل از تعدادی مدیران عالی رتبه و میانی کشور هستند و اکثراً سال‌ها تجربه دهه اول و دوم و حتی سوم انقلاب را به دوش می‌کشند، مقرر شد که در ابتدای هر جلسه دو سه

۱. یافته‌های مدیریت، ص ۲۲۳.

۲. امدهای غیبی، ص ۶۸.

۳. غرر الحکم، ص ۳۴۲.

۴. همان، ص ۳۵۴.

آیه از قرآن را تلاوت و به نکات مدیریتی آن توجه کنیم. همین جرقه‌ای شد در ذهن من که بتوانم در فرصت دیگری این نگاه را ادامه دهم و حاصل این تلاش مجموعه‌ای است که در ۶ فصل تقدیم می‌شود:

۱- آموزه‌های عبادی

۲- آموزه‌های فردی

۳- آموزه‌های اجتماعی

۴- آموزه‌های پیشوایی

۵- آموزه‌های رهبران

۶- آموزه‌های عبرت آموز

امید است که مفید واقع گردیده و مورد رضایت خوانندگان و در نهایت خدای منان باشد. اذعان دارم که ممکن است بسیاری از نکات ارزنده دیگر در این نوشتار مغفول مانده باشد که خوانندگان گرامی مسلماً این قصور را یا تقصیر را بر من خواهند بخشید و اگر فرصتی دست دهد، یقیناً با کمک و راهنمایی شما عزیزان، به غنی کردن آن در آینده خواهم پرداخت.

در خاتمه بر خود لازم می‌دانم از زحمات داماد روشن ضمیرم، آقای مهران رهبری، که زحمت بازخوانی و تنظیم مطالب را تقبل فرمودند و همچنین سرکار خانم حمیده ثقفی، فرزند عزیزم، که ویراستاری مطالب را به عهده گرفتند، تشکر و قدردانی نموده و عزت و سعادت هر دو مهربان را از خداوند متعال مسئلت نمایم. خداوند همه خدمتگزاران به اسلام را در کنف حمایت خود قرار داده و بر توفیقات آنها بیفزاید و اگر ثوابی بر این اثر مترتب باشد، آن را به روح مادرم که از سلاله پاک پیامبر ﷺ بود، تقدیم می‌دارم.

مِنْ اللَّهِ التَّوْفِيقَ وَعَلَيْهِ التَّكْلَانِ

علی ثقفی